

اشاره:

واژه‌ی «آرمان» به معنای هدف یا ایده‌آلی است که فرد، گروه و یا جامعه‌ای برای خود تعیین کرده است. آرمان‌ها معمولاً به عنوان هدف‌های بزرگ و بلندمدت در زندگی شخصی، حرفه‌ای و اجتماعی استفاده می‌شوند. این عبارت غالباً ارزش‌ها، معیارها و مهمترین آرزوهای یک جامعه را نشان می‌دهد. نکته مهمی که ملی‌گراها و یا حتی ناسیونالیست‌های وطنی نیز می‌توانند بدان توجه کنند، این است که عظمت جهانی نام ایران در آینده، به یک حقیقت و آرمانی جهانی، فطری و فراملی نیاز دارد، اگر ما امروز از این ظرفیت، توان و موقعیت تاریخی استفاده نکنیم؛ مانند دوران گذشته عثمانی، ترکیه و یا تملن اسلامی، نسبت به کشورهای فعلی عربی خواهیم شد. بنابراین می‌توان خصوصیات قومی و ملی خود را حفظ کرده ولی به نوعی آرمان‌های ملی را در آن ایده جهانی جست‌وجو کنیم؛ از این منظر اگر واقعا دنبال عظمت نام ایران هستیم از این فرصت تاریخی فراموشی می‌توانیم به بهترین نحو استفاده کنیم، البته منظور ما استفاده‌ی مادی و ابزاری نیست زیرا آرمان‌ها نقش بسیار اساسی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند. ایده‌آل‌ها به زندگی انسان و جامعه معنا می‌بخشد.

## رفتارها تجلی تحقق باورها نسبت بین آرمان‌های بشری و مشارکت سیاسی

سید عبدالمجید اشکوری

این دست از سؤالات توجه کنم و نمی‌خواهم هیچ مسئولیتی را بپذیرم. نه مسئولیت در برابر خودم، نه در برابر موجودات دیگر و نه در برابر انسان‌های دیگر و علاوه بر آن نمی‌خواهم توجهی به مفهوم مسئولیت داشته باشم. این عده دچار یک زندگی روزمره شده و مشخصاً انگیزه‌ی مشارکتی در آن‌ها و امور اجتماعی بسیار پایین است.

### دسته دوم: انسان‌هایی با آرمان‌های دنیوی

برخی دیگر از افراد و یا جوامع، آرمان و هدف اصلی خود را در زندگی دنیوی برای دنیای محض قرار می‌دهند و همین امر سبک زندگی آن‌ها را در حوزه‌های مختلف شکل‌دهی می‌کند. در این سبک زندگی فقط به امور مادی توجه شده و احساسات عالی نادیده گرفته می‌شود. این نوع افراد و جوامع به موقعیت خود در جهان هستی توجه ندارند، دچار خودبرتربینی شده، روحیه فرعون‌ی پیدا کرده، گرفتار عجب، کبر، خودخواهی و روحیه‌ی استکباری می‌شوند، منافع خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند و همه را در مقابل منافع خود، مسئول و پاسخگو دانسته و خود را در مقابل موجودات،

اساساً باورهای انسان، آرمان‌های او را می‌سازند و آرمان‌ها، سبک زندگی انسان را رقم می‌زنند و سبک زندگی، رفتارهای انسان را در هر دو حوزه‌ی فردی و اجتماعی شکل می‌دهد. به همین دلیل نوع آرمان‌های ما که محصول باورهای ماست، در نوع رفتارهای سیاسی، مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی ما بسیار مؤثر است. از این رو جامعه انسانی به چند دسته تقسیم می‌شود:

### دسته اول: انسان‌های بی‌هویت

برخی افراد جامعه، آرمان خود را ناآگاهی، بی‌هویتی، بی‌هدفی و بی‌باوری بدون استقلال شخصیت قرار می‌دهند؛ مثل انسان‌های دائم‌الخمر و معتاد به مواد افیونی و مخدر که می‌گویند: از این مایع می‌نوشم و از این مواد استفاده می‌کنم که به هیچ چیز فکر نکنم و نمی‌خواهم به موقعیت خود در جهان هستی بیندیشم و اساساً نمی‌خواهم به سؤالاتی همچون: از کجا آمده‌ام، به کجا می‌روم و برای چه آمده‌ام، من کیستم و چه نسبتی بین من و دیگر موجودات و افراد انسانی برقرار است، پاسخ دهم. علاوه بر این نمی‌خواهم به

کمال‌گرایانه دارند و باطنی شیطانی. این‌گونه جوامع نیز به دلیل پیچیدگی رفتاری، پیش‌بینی‌پذیر نیستند و در مورد آن‌ها می‌توان گفت خود را دارای مسئولیت اجتماعی نمی‌دانند.

#### دسته ششم: انسان‌هایی با آرمان‌های فطری

برخی دیگر از افراد براساس باورهایشان، آرمان‌های خود را همان آرمان‌های فطری بشری می‌دانند که عبارتند از: رسیدن به کمال برای خود و دیگران، شکل‌دهی و ایجاد جامعه‌ی سالم، ایجاد عدالت به صورت فراگیر و برای همه، ایجاد رفاه مادی در حد عقلانی برای همه، ایجاد صلح بین‌المللی، ایجاد امنیت برای همه، ایجاد آرامش برای همه، دسترسی همگانی و جامعه‌ی بشری به سعادت و... و می‌خواهند از مسیر صحیح به این آرمان‌ها دسترسی پیدا کنند و در این مسیر دارای اراده‌ی قوی، استقامت و استقرار هستند و حتی حاضرند برای تحقق آن‌ها هزینه‌های مالی، جانی و آبرویی و... پرداخت کنند.

این افراد در خود احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنند. در این جامعه است که میزان مشارکت و همکاری با یکدیگر در جهت مصالح جامعه و تحقق آن بسیار بالا می‌رود. در این جوامع، میزان تولید سرمایه‌ی اجتماعی بسیار بالاست. مردم‌سالاری دینی در چارچوب همین اهداف و همین سبک زندگی شکل می‌گیرد.

با توجه به مراتب فوق، حال می‌توان این‌گونه گفت که تمام تلاش نظام استکبار جهانی به کمک‌ی داخلی‌اش از طریق تغییر باورها، معطوف به این است که در جامعه‌ی متدین و انقلابی ایران تغییرات آرمانی ایجاد کند و اگر نتوانست، حداقل نسبت به تحقق آرمان‌ها ایجاد ناامیدی کند تا جامعه‌ی ایرانی را از یک جامعه‌ی فعال به یک جامعه‌ی منفعل تبدیل نماید و میزان مشارکت را در حوزه‌های مختلف پایین آورد.

#### نتیجه

خلاصه آنچه این نوشتار درصدد بیان آن است عبارت است از:

- ۱) باورهای ما آرمان‌های ما را می‌سازد.
  - ۲) آرمان‌های ما سبک زندگی ما را می‌سازد و سبک زندگی ما نوع رفتار اجتماعی ما را رقم می‌زند.
  - ۳) آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی همان آرمان‌های فطری بشری است که دارای حقانیت، مشروعیت و عقلانیت است. لذا همگان در مقابل تحقق آن‌ها دارای مسئولیت اجتماعی التزام عملی‌اند.
  - ۴) توجه دادن به این امور، موجب بالا رفتن مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف از جمله مشارکت سیاسی می‌شود لذا بر نخبگان جامعه است که به تقویت باورها و تبیین آرمان‌ها و راه صحیح رسیدن به آن‌ها بپردازند.
  - ۵) دشمن به دنبال تغییر باورها و به دنبال آن آرمان‌ها و به دنبال آن ارزش‌هاست و یا حداقل به دنبال ایجاد ناامیدی نسبت به تحقق آرمان‌هاست تا جامعه‌ی متدین ایران را از حالت فعال درآورده و آن‌ها را به جامعه‌ای منفعل تبدیل نماید تا این مشارکت سیاسی حداکثری را تبدیل به مشارکت حداقلی کند تا به اهداف شیطانی خود برسد.
- این توطئه مهم‌ترین عامل عدم مشارکت در جامعه‌ی ماست که نخبگان از طریق تقویت باورها و توجه دادن جامعه به مسئولیت‌های اجتماعی انسان، می‌توانند رسیدن به آنها و توجه دادن جامعه به مسئولیت‌های اجتماعی انسان، می‌توانند با این تحولات دشمن مقابله کنند و در جامعه برای مشارکت حداکثری ایجاد انگیزه کنند.

دیگران و خداوند متعال، مسئول و پاسخگو نمی‌دانند و به سؤالات اساسی از کجا آمده‌ام، به کجا می‌روم، برای چه آمده‌ام، نپرداخته و اساساً توجه نمی‌کنند و یا به این پرسش‌ها، پاسخ‌های غلط می‌دهند.

میزان مشارکت و عدم مشارکت این عده به منافع مادی بستگی دارد که از این مشارکت کسب می‌کنند، به هر میزانی که منافع مادی و شخصی آن‌ها از مشارکت کمتر باشد، تعاون، همکاری و حضور در صحنه‌ی آن‌ها کمتر می‌شود.

#### دسته سوم: انسان‌هایی با آرمان‌های صرفاً معنوی

برخی دیگر از جوامع براساس باورهای غلط، آرمان خود را زندگی معنوی برای رسیدن به تلطیف روح و یا کسب قدرت‌های روحی خارق‌العاده و یا آخرت‌طلبی محض آن‌ها به صورت افراطی قرار می‌دهند؛ زیرا به غلط به این باور رسیده‌اند که بین آخرت و دنیا جدایی است. این آرمان، سبک زندگی مخصوص به خودش را رقم می‌زند. در این سبک زندگی، فرد و جامعه فقط به سرکوب غریز و احساسات طبیعی خود می‌پردازد تا مثلاً روح خود را تزکیه نماید یا به یک قدرت روحی خارق‌العاده دسترسی پیدا کند؛ همانند برخی از مراثضان، این قبیل از افراد برای تقویت روح خود یا آخرت‌طلبی محض و نجات خود، اعتنایی به دیگران نمی‌کنند و فقط در فکر نجات خویش هستند و اساساً دخالت در امور اجتماعی را مغلط آرمان‌هایشان می‌دانند و به همین دلیل از آن‌ها انتظار مشارکت نمی‌رود.

#### دسته چهارم: انسان‌هایی با آرمان‌های مذدب

برخی دیگر آرمان خود را دنیا و کمال قرار می‌دهند؛ اما به صورت جداگانه و در هنگام تراجم بین این دو مذدبانه عمل می‌کنند؛ یعنی گاهی از کمال می‌گذرند برای رسیدن به دنیا و گاهی از دنیا می‌گذرند برای رسیدن به کمال. به عبارت دیگر تکلیفشان با خودشان مشخص نیست؛ به طور مثال هم غیبت نکردن را کمال می‌دانند و علاقه دارند که غیبت نکنند و هم غیبت می‌کنند. هم خود را در قبال دیگران مسئول می‌دانند، هم به مسئولیت‌شان عمل نمی‌کنند. هم نظم ترافیکی را می‌خواهند و معتقدند که در مقابل ایجاد نظم ترافیکی دارای مسئولیتند و هم به قوانین راهنمایی و رانندگی عمل نمی‌کنند و از آن تخلف می‌کنند. اگر جامعه‌ای این‌گونه شود جامعه‌ای بسیار پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. مهم‌ترین مشکل این جوامع عدم توانایی در استقرار، استقامت و نداشتن اراده‌ی قوی است؛ به دلیل همین پیچیدگی رفتاری، میزان مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی پیش‌بینی‌ناپذیر است.

#### دسته پنجم: انسان‌های ریاکار

برخی دیگر براساس باورهای غلط، آرمان خود را رسیدن به امور غیرکمالی از طریق کمال‌گایی قرار می‌دهند. افراد در چنین جامعه‌ای از فهم حقیقت ناتوان هستند و به مهم‌ترین خصلت خود؛ یعنی ریاکاری مشغولند. اینان توجه ندارند که ریاکاری و ظاهرسازی فقط می‌تواند عده‌ی کمی از ساده‌لوحان را آن‌هم برای مدتی محدود فریب دهد. از مهم‌ترین خصوصیات این عده این است که در مقابل جامعه نه تنها احساس مسئولیت نمی‌کنند بلکه مهم‌ترین مسئولیت خود را گول زدن دیگران می‌دانند و گاهی آن‌قدر در این مسیر جلو می‌روند که حتی خود را نیز گول می‌زنند و دچار خودفریبی می‌شوند. این افراد ظاهری